



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۶/۱۰



س. ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟



گفتار بیست و دوم

«ما جهان را شکست خواهیم داد!»

اجلاس سران کشورهای اسلامی در مکه، بلحاظ موضع و مقام سران افغانستان و پاکستان جالب بود؛ با یک نگاه دقیق تر به جریان اجلاس درمی یابیم که داکتر اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان، از مقام مورد اعتنایی در میان سران کشورهای اسلامی برخوردار است؛ این خبر نشر شد که ولیعهد سعودی با تمجید از صلاحیت غنی در طرح ستراتیژی های اقتصادی، از وی خواست یک ستراتیژی نقشه کند که چگونه سعودی بتواند اقتصاد ایران را درهم بشکند؛

به همینگونه ملاقات کوتاه غنی با عمران خان صدراعظم پاکستان، هم، بسیار سزاوار توجه بود؛ عمران خان نه تنها با یک دقت جدی و توأم با احترام به سخنان غنی گوش می داد، بل بلحاظ مسایل اساسی که در ملاقات مطرح شد، هم، از غنی بسیار عقب ماند؛

سخن اصلی عمران خان این بود که طالبان از صفوف سه ملیون مهاجر افغان مقیم پاکستان برمی خیزند؛ مقصود عمران خان از این خطاب به غنی بود که پس طالبان مردمان خود شما هستند؛ اما سوال درمثنأ طالبان نیست؛ سوال این است که پاکستان این مهاجران افغان را گروگان گرفت، تا از ایشان یک لشکر بنیادگرا «سازماندهی» کند و این لشکر را بر علیه وطن و مردم خود شان بجنگاند؛ پاکستان و دیگران با همین لشکر نه تنها افغانان را قتل عام کردند، و افغانستان را ویران ساختند، بل همان طوری که سال ها قبل مرحوم داکتر صمد حامد نوشت، کوشیدند تا افغانستان را مستعمره خود بسازند؛ امروز بطور شرم آوری مستند است که پاکستان در برابر فقط ۷۰ ملیون دالر افغانستان را از «رئیس جمهور» جهادی «خریداری» کرد!

این درست است که پاکستان در این سازماندهی تنها نبوده است؛ این هم درست است که عمران خان گفت سیستم مدارس را تحت نظارت دولت قرار می دهد؛ اما دلیل این تصمیم عمران خان کدام مهربانی در این باره نبوده است که افغانستان از ناحیه جنگ ۴۰ «بسیار صدمه دیده است»؛ عمران خان، خودش، دلیل اصلی را نام برد:

پاکستان در حل این سوال درمانده است که ۲۰۶ میلیون نفوس خود را چگونه، و از کدام مدرک، نان بدهد؛ کلید این مسأله در دست افغانستان است؛ افغانستان در راه پاکستان به سوی آسیای میانه قرارداد؛ غنی به عمران خان گفت ما بشما راه می دهیم به آسیای میانه؛ اما شما هم به ما راه بدهید به هند؛ و غنی گفت اگر قرار به مسابقه باشد پس ما جهان را هم شکست می دهیم!

غنی یک نماد شده است برای «موقف مستقل» در مقابل پاکستان (و ایران) که در طی ۴۰ سال جنگ از افغانستان دزدیده شد؛ دیگر مدعیان تاج و تخت نه این مقام غنی را دارند؛ و نه می توانند داشته باشند؛

با این همه غنی پیوسته بیشتر با موانع مواجه ساخته می شود؛ غنی از هر طرف بلاک می شود: طالبان غنی را کنار می زنند؛ «شورای» کاندیدان ریاست جمهوری غنی را کنار می زند؛ روسیه غنی را کنار می زند؛ و مذاکرات دوحه هم تا توانست غنی را کنار زد؛ همین چند روز پیش بود که جناب پمپو اعلام کرد امریکا غنی را در جریان مذاکرات دوحه می گذارد؛

در حالی که نمایشنامه مخالفت با تمدید دوره کار غنی تا ختم انتخابات، پرده دوم خود را بازی می کند و اعلام کرده اند که به اعتراضات سرتاسری دعوت می کنند!! و سیستم تبلیغاتی داخل و خارج کشور وظیفه گرفته اند تا حد ممکن غنی را تضعیف کنند؛ و اشخاص خریداری می شوند و علیه غنی قرار داده می شوند؛ و ضعف های اداره در دستگاه غنی، هم، به همه این کشمکش ها کمک می رساند!

در این حال اردوی افغانستان در مقابل طالبان به پیشرفت های چشمگیر دست یافته است؛ اسدالله خالد اعلام کرد ولسوالی هایی که در اشغال طالبان هستند، واپس گرفته می شوند؛ یک عده زیاد بندیان از زندان های طالبان آزاد ساخته شده اند؛ داکتر محب اعلام کرد که تا چار ماه دیگر کمر طالبان شکستاده می شود؛

مسأله اساسی اوضاع افغانستان، و مسأله اساسی جنگ و صلح، مسأله رفع وابستگی اقتصادی است؛ ناتو اعلام کرد تا سال ۲۰۲۴ مصارف اردوی افغانستان را می پردازد؛ دولت افغانستان یک برنامه گسترده برای خود کفایی اقتصادی را اعلان کرد؛ جالب این که سکتور خصوصی در این برنامه فعالانه شرکت می کند و بیش از ۳ میلیارد دالر در بخش انکشافی اقتصاد سرمایه گذاری می کند؛

غنی بد رستی همه امیدواری ها برای پیروزی در انتخابات را به مردم، و به آگاهی مردم، خاصاً زنان و جوانان بسته است!

لویه جرگه صلح یک آغاز مهم بود؛ و اما فرستادگان لویه جرگه در ولایات، و فعالین حرکت های مردمی صلح در ولایات، بوسیله طالبان اختطاف و ترور می شوند؛

جوانان هدف مهم ترور ها قرار گرفته اند؛ پیوسته بیشتر جوانان و محصلان ترور می شوند؛ پیروزی مهم غنی یک توجه هدفمند به ارتقای مقام زنان در تصمیم گیری های سیاسی و ملی بود؛ از همین استقامت هم علیه غنی یک دسیسه های خطرناک سازمان یافته است؛ انکشافات نشان می دهند که صد سال پس از نشر عکس های فتنه انگیزانه ملکه ثریا، هنوز هم این سلاح موثر است!

بدون تردید فحشا در افغانستان اشاعه یافته است؛ بدون تردید این یک محصول اجباری جنگ ۴۰ ساله و مداخله خارجی در افغانستان است؛ بدون تردید این ویروس کشنده در اداره غنی هم رخنه کرده است؛ اما در این هم تردیدی نیست که آویختن «لوحة اتهام به فحشا» به یخن اداره پنجساله غنی یک «چشم سفیدی وارداتی پاکستانی» است! کسانی که برای چنین ادعایی دهل می زنند، اول خودشان بیایند و از سوابق خود حساب بدهند؛ خودشان بیایند و از صد ها هزار مورد اختطاف و قتل و خودسوزی و خودکشی دختران و زنان در افغانستان در طی ۴۰ سال اخیر جواب بدهند! مردم ما بخوبی مطلع هستند، و مطبوعات جهان مطلع هستند؛ ما همه این مطبوعات را روی در روی شما می گذاریم! همین چند روز پیش نیویارک تایمز طی گزارشی افغانستان را نا امن ترین مکان جهان برای زنان دانست! همین چند روز پیش کتاب «زنی در میان جنگسالاران»، سرگذشت زن مبارز افغان ملالی جویا، نشر ترجمه شد؛ همین ملالی جویا بود که، در همان آغاز، ندا برکشیده بود: «مردم این پارلمان شما را باغ وحش و طویله خواهند نامید»!

زنان وطن! جوانان وطن! قوای مسلح قهرمان و جانفدای وطن! روحانیون وریش سفیدان وطن! استادان، معلمان، متعلمان! جامعه مدنی وطن! روشنفکران و باقیمانده های چپ دیروز!

با قاطعیت این غبار ضخیم تبلیغاتی را که دام یک اسارت نو شما می شود، بزدايید! توطیه ها بر علیه غنی را حنثی بسازید!

ریخت و پاش ها، ناتوانی ها و نارسایی های دوره غنی جبران پذیر هستند؛ اما اگر غنی از دست ما افتاد، یک ضایعه جبران ناپذیر است! ما کسی نداریم که بجای غنی بنشانیم!

•

ملاقات مکه یک چشمدید دیگر هم داشت؛

عمران خان وزیر اعظم پاکستان هنگام ورود به مقر ملاقات برخورد سرد، و بی اعتنا، و خلاف مقرر، در برابر شاه سعودی داشت؛ این برخورد عمران خان موضوع داغ مطبوعات شد؛ گفته شد که جانب سعودی بعنوان اعتراض همه ملاقات های پلان شده با هیأت پاکستان را لغو کرد؛ همین چند ماه پیش ولیعهد سعودی طی دیدار از پاکستان وعده داده بود که ۲۰ میلیارد دالر در پاکستان سرمایه گذاری می کند؛ این وضعیت عمران خان با در نظر داشت احتیاجات اقتصادی پاکستان، و سهمیه مهم سعودی در پرداخت های پاکستان، عجیب تر معلوم می شود؛

پس دلیل چی بوده است؟

دلیل این بوده است که استخبارات پاکستان یک شبکه جاسوسی در اردوی پاکستان را کشف کرد که برای سعودی و از طریق سعودی برای دیگران کار می کردند؛ یک دگر جنرال پاکستان، و چند افسر بالارتبة اردو و استخبارات پاکستان در رأس این شبکه قرار داشته اند؛ محکمه پاکستان یک تن از اعضای این شبکه را به مرگ محکوم کرد؛ این شبکه وظیفه داشته است که درباره نقشه های اتمی پاکستان و خود سلاح اتمی پاکستان جاسوسی کند.

چنین یک قضیه غیرقابل باور، هیأت حاکم پاکستان را بشدت لرزانید؛ به این علت بود که عمران خان در برابر دوست خود، شاه سعودی، برخورد سبک کرد؛ و سعودی ها هم برای کفاره گناهان خود دروازه های خانه خدا را برای جنرال قمر باجوه رییس اردوی پاکستان گشودند؛ جنرال پاکستانی بدرون خانه خدا رفت، تا به تحت القمر نظر بیاندازد! از نظر ملیارد هایی که سعودی می خواست به پاکستان بدهد، عمران خان کم بیش خود را بی نیاز ساخته است؛ پاکستان در نظر دارد تا در برابر یک قرضه بزرگ، زمین خود را به ضمان به بانک جهانی بگذارد؛ همانند ضمانت هایی که ۵۰ سال پیش کوریای جنوبی داد.

از طرف دیگر اوضاع بحرانی از وزیرستان به سرتاسر ایالت پشتونخوا و مناطق قبایل آزاد گسترش می یابد؛ و هر روز بیشتر حد میشود؛ قیام همگانی بر علیه جابجا سازی اردوی پاکستان، و بر علیه جابجا سازی تنظیم های جهادی در ایالت های پشتون و بلوچ گسترده تر می شود. روشنفکران پشتون و بلوچ اعلام کردند که تنظیم های جهادی و طالبانی « پروژه های استخباراتی پاکستان » هستند که برای سرکوب مردم در این مناطق جابجا ساخته شده اند؛ مقابله میان نهضت حفاظت پشتون و دولت و اردوی پاکستان هر روز بیشتر و خشن تر شده می رود؛ نهضت حفاظت پشتون اینک مطالبات اساسی درباره نظام سیاسی پاکستان را مطرح می کند؛ حزب بوتو، و حزب مسلم لیگ، هر دو اعلام کردند که بزودی به امواج اعتراضات گسترده بر علیه حکومت عمران خان می پیوندند؛ پاکستان با مشکلات بزرگ داخلی سیاسی مواجه است؛ وسعت بحران کنونی دولت پاکستان را « وارخطا » کرده است؛ اسفندیار خان گفت بحرانی که امروز پاکستان با آن مواجه است، دوران جدایی بنگله دیش را بخاطر می دهد؛ یک گپ درست است: در طی تمام دهه های گذشته، عمران خان نخستین صدراعظم پاکستان است که در بیرون از سلسله مراتب عنعنوی سیاسی و حزبی در پاکستان به قدرت رسیده است؛ این که آیا این یک شانس است؟ و یا نیست؟ این بیش از همه به فراست سیاسی خود عمران خان وابسته است؛ زمان نشان خواهد داد!

خواب های پاکستان برای در دست گرفتن افغانستان آهسته آهسته نا کارآمدی خود را ثابت می سازند؛ دیدار غنی از اسلام آباد می تواند اساس یک چرخش در نگرش هر دو کشور را بوجود بیاورد؛ پایان ترهنگ اعلام کرد که هرگاه پاکستان برای طرد تروریستان تصمیم نگیرد، پس هند آب های سند و پنجاب را بروی پاکستان خواهد بست؛ هند همچنان با جدیت پروژه ۱۲ بند آبی بالای دریای کابل- کنر را دنبال می کند؛ هرگاه این پروژه عملی شود ۱۴۳۲۰۰۰ هزار متر مکعب آب در خود افغانستان ذخیره می شود که هم اکنون بطور کاملاً رایگان به مناطق شمالی پاکستان جاری هستند. بانک جهانی حاضر شده است که معادل هفت میلیارد دالر مصارف این پروژه ها را تمویل کند؛

مودی، پس از انتخاب مجددش، گفت که باید یک کنفرانس بین المللی برای طرد تروریسم دایر شود؛ امریکا اعلام کرد که در جنگ بر علیه تروریسم در کنار هند می ایستد؛ و مطبوعات امریکایی نوشتند که امریکا درستراثری جدید خود برای آسیای جنوبی، اصلاً پاکستان را کنار گذاشته است!

از جانب دیگر توجه به ماموریت جناب داکتر خلیل زاد جلب می شود؛ تا کنون موفقیت مهم داکتر خلیل زاد این بوده است که طالبان را منقاد ساخته است نه تنها حضور پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان را بپذیرند، بل مسوولیت امنیت این پایگاه ها را نیز بدوش بگیرند!!

اینک خلیل‌زاد، که دور هفتم مسافرت‌ها و مذاکرات خود درباره افغانستان را آغاز کرده است، اطمینان داد که پلان امریکا برای صلح افغانستان در نظر دارد که برای همسایگان کابل {مقصد جناب خلیل‌زاد افغانستان است} نقش هر چه بزرگتر بدهد؛

این موضوع در رسانه‌های افغانی مورد توجه بوده است؛ شخصیت سرشناس سیاسی افغان جناب میار نوشت:

«مردم افغانستان این انتظار را از شش دور مذاکرات داشتند که حداقل جناح‌های درگیر جنگ به ویژه طالبان، نه تنها آتش بس موقت را می‌پذیرفتند بلکه به آتش بس دائمی باید می‌اندیشیدند...

آگاهان امور سیاسی افغانستان به این باور اند که امریکایی‌ها با مذاکرات مستقیمی که در پشت درهای بسته، در عدم حضور نمایندگان دولت مشروع و قانونی افغانستان، با طالبان انجام دادند برخی از کشور‌های همسایه و منطقه را نگران ساختند... خلیل‌زاد بایست در این دور سفر هایش چنان وانمود کند که امریکا در پیشبرد مذاکرات صلح با گروه طالبان، اهداف و برنامه‌های پنهانی ندارد»

داکتر خلیل‌زاد همچنان با هیأت تدویر کنندگان کنفرانس بن سوم هم دیدار داشت؛

آیا در پشت‌شانه‌های شکسته عقاب طالبان، کلاغ داعشان نشسته است؟؟

•

مدتی است که مسایل اقتصادی جهان کنونی، و چگونگی برخورد با این مسایل، اتحادیه غرب را به مناقشه‌ها واداشته است؛ اختلاف مواضع چنان عمیق هستند که بنظر نمیرسد کنفرانس کشورهای G-20 که درجپان گشایش می‌یابد، موفق شود که یک راه برونرفت بدست بدهد؛ در این دوران بسیار حساس و پیچیده تاریخ جهان، غرب آن یگانگی بی‌را از دست داده است، که طی تمام دوره پس از جنگ دوم جهانی، سلطه غرب بالای جهان را ضمانت می‌کرد؛

از جانب دیگر در هفته گذشته بیست و سومین همایش بین‌المللی اقتصادی در سنت پترزبورگ دایر شد؛ نمایندگان بیش از ۱۴۰ کشور، و به تعداد ۱۴ هزار نفر شامل مقام‌های ارشد کشور‌ها و سازمان‌ها در این گردهمایی شرکت کردند؛ در دورانی که دیگر مقابله‌های «سیستمی» از جهان رخت بر بسته است، با وضوح تمام، نگرش‌های اقتصادی متضاد در برابر هم قرار می‌گیرند؛ موضوع اساسی بحث در همایش سنت پترزبورگ «ایجاد جامعه بشری با سرنوشت مشترک، از طریق چند جانبه‌گرایی، و از طریق تکمیل بنیاد‌های یک مدیریت جهانی» بود؛ در همایش بر «توسعه پایدار» به حیث «کلید طلایی برای حل مسایل بین‌المللی» تأکید شد؛ و با نگاه به پروژه جاده ابریشم تأکید شد که ابتکار بالای «روابط مشارکتی اوراسیای بزرگ» تأکید شد که به تلفیق «اقتصاد‌های منطقه‌ای» و «توسعه پایدار مشترک» یاری می‌کند.

این جزییات از گزارش این همایش را به دلیلی ذکر کردیم تا دو پیش‌بینی مهمی دوباره مطرح شوند که ۹ سال پیش اینقلم در کتاب «سندروم افغانستان» مطرح کرده بودم:

اول- «اور-آسیا»، برخلاف پیش‌بینی‌های بریژینسکی، در تحت رهبری چین و روسیه دگرگون می‌شود؛ جهان بطرف یک «دولت جهانی» نمی‌رود!

دوم- راه‌های خشکه بار دگر در برابر راه‌های بحری قد علم می‌کنند؛

آرنولد توین بی تاریخ‌شناس و ستراتیژی‌نویس غربی ۷۰ سال پیش نوشته بود که دلیل برتری غرب بر شرق انحصار راه‌های آبی و بحری بدست غرب بود که با نیروی بخار وارد میدان شد؛

اینک این برتری ستراتیژیک غرب در هم می شکند؛
نه تنها چین، بی اعتنا به تهدید های متواتر تشدید یابنده امریکا، پروژه جاده ابریشم را به جلو می تازاند؛ بل مقام دو کشور مهم «چارراهی» یعنی افغانستان و عراق بلحاظ شبکه های مواصلاتی پی دگرگون می شود که فقط در روشنی پروژه جاده ابریشم، قابل تحقق شده اند؛
کشورهای «منطقه ما»، خاصاً پاکستان، و ایران، زمانی میتوانند بر بحران های ساختاری خود فایق آیند که مقام مستقل و مقام «مرکز ثقل» افغانستان در تاسیس این چارراهی مواصلاتی و اقتصادی را درک کنند؛ این درک نو، همان درک از «حوزه تمدنی ما» است!
صلح در افغانستان یک پیک «حوزه تمدنی ما» است! افغانستان کانون یک «اوپیک نو» قرار می گیرد!
«ما جهان را شکست خواهیم داد!»



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم. گفتار (گفتار بیست و دوم)

[Rogh_h_۴۱_ba_aezaaye_watan_tshiguna_bengarem_۲۲.pdf](#)